



The position of the Islamic Republic of Iran in the national security strategy document of the Biden government

Rahman Najafi Sayyar¹ | Fathollah Kalantari²

Abstract

The US national security strategy document was published on October 13, 2022, which covers a wide range of US national security issues, including global competition with great powers, threats from emerging technologies, multi-pillar challenges in West Asia, the threat of regional Iran, and so on. ... Been paid. The publication of this document, which took place after the Ukraine crisis and internal disturbances in Iran, had a different tone than the previous temporary document. Therefore, the concern and issue of the article is what is the position of the Islamic Republic of Iran in the US government's national security strategy document? This article is applied and done by the method of inductive development of categories. The sample size is 30 people. The information of this research has been collected from two methods, "field" using the interview tool and "library" using the text of the 2022 US National Security document and analyzed using the "Max Kyuda" software. The findings of the article indicate that in the national security document of the Biden government, specifically "six" concerns about Iran are claimed, which include "interference in the internal affairs of neighboring countries", "missile and drone proliferation", "hurting Americans, including former officials", "threat to the freedom of navigation", "advancing the nuclear program beyond the need" and also "wasting the fundamental rights of the people of our country". According to the results of the research, the American security strategy to deal with all these challenges and threats to Iran, including delegating responsibility to allies, tactical threats, political deterrence, and strong operational measures to limit Iran's power in domestic, regional and international issues. International, economic sanctions and finally taking advantage of all these will be in the proposition of "strategic integration".

Keywords: National Security Document; United States; Islamic Republic of Iran; strategic containment.

1. Assistant Professor of International Relations, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
political19@gmail.com

2. Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.128.5.0





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سند استراتژی امنیت ملی دولت بایدن

رحمان نجفی سیار^۱ | فتح‌الله کلاتری^۲

چکیده

سند استراتژی امنیت ملی آمریکا در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شد که در آن طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ملی آمریکا از جمله رقابت‌های جهانی با قدرت‌های بزرگ، تهدیدات فناوری‌های نوظهور، چالش‌های چندستونی در غرب آسیا، تهدید ایران منطقه‌ای و ... پرداخته شده است. انتشار این سند که بعد از بحران اوکراین و اغتشاشات داخلی ایران به‌وقوع پیوست، لحن متفاوت‌تری نسبت به سند موقت قبلی داشت. لذا دغدغه و مسئله مقاله این است که جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی در سند استراتژی امنیت ملی دولت آمریکا دارد؟ این مقاله کاربردی و به روش تکوین استقرایی مقوله‌ها انجام شده است. حجم نمونه ۳۰ نفر است. اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» با استفاده از ابزار مصاحبه و «کتابخانه‌ای» با استفاده از متن سند ۲۰۲۲ امنیت ملی آمریکا گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیودا»، تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که در سند امنیت ملی دولت بایدن، به‌طور ویژه «شش» نگرانی راجع به ایران ادعا شده که شامل «دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه»، «اشاعه موشکی و پهپاد»، «صدمه زدن به آمریکایی‌ها از جمله مقام‌های سابق»، «تهدید آزادی دریانوردی»، «پیش بردن برنامه هسته‌ای به فراسوی نیاز» و نیز «تضعیف حقوق اساسی مردم کشور خود» است. طبق نتایج تحقیق، راهبرد امنیتی آمریکا برای مقابله با مجموع این چالش‌ها و تهدیدات ج.ا.ایران، شامل واگذاری مسئولیت به متحدان، تهدید تاکتیکی، بازدارندگی سیاسی، اقدامات پرشدت عملیاتی برای محدودسازی قدرت ایران در مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی و نهایتاً بهره‌گیری از همه این‌ها در گزاره «یکپارچگی راهبردی» خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: سند امنیت ملی، ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، مهار راهبردی

۱. نویسنده مسئول: استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Majidesmaeili1991@yahoo.com

۲. دانشیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.128.5.0



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

بر اساس قانون کنگره آمریکا در سال ۱۹۸۶ موسوم به قانون «گلدواتر-نیکلاس»، کاخ سفید موظف شده است سالانه گزارشی در خصوص استراتژی امنیت ملی آمریکا^۱ در اختیار کنگره قرار دهد. هدف از تهیه این سند این است که ضمن بررسی منافع و اهداف آمریکا، «شیوه‌های استفاده کوتاه‌مدت و درازمدت از عناصر سیاسی، اقتصادی، نظامی و سایر قدرت ملی» ایالات متحده را پیشنهاد و توانایی‌های لازم را برای اجرایی کردن این استراتژی، بررسی کند. این امر به کارشناسان تخصیص بودجه در کنگره آمریکا کمک می‌کند تا بودجه‌بندی و استراتژی را با یکدیگر هماهنگ کنند و در سایر بخش‌های دولت از قبیل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و وزارت امنیت داخلی - نیز بررسی‌های استراتژیک در مسیر خاصی به کار گرفته شود. (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۵۰) بر این اساس، کاخ سفید از زمان رونالد ریگان (۱۹۸۷، ۱۹۸۸)، جرج بوش (۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳)، بیل کلینتون (۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰)، جرج دبلیو بوش (۲۰۰۲، ۲۰۰۶)، اوباما (۲۰۱۰، ۲۰۱۵)، دونالد ترامپ (۲۰۱۷) و جو بایدن (۲۰۲۲) تاکنون هیجده سند استراتژی امنیت ملی منتشر کرده است که چارچوبی کمابیش مشخص و منسجم برای اداره مسائل امنیت ملی و بین‌المللی دارند.

با روی کار آمدن جو بایدن به‌عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، کاخ سفید اولین استراتژی رسمی امنیت ملی خود را حدود دو سال بعد از انتصاب وی (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲) منتشر کرد و این سند جایگزین نسخه موقتی شد که در مارس ۲۰۲۱ تصویب شده بود. «جیک سالیوان»، مشاور امنیت ملی آمریکا در معرفی این سند، «دهه سرنوشت‌ساز» پیش‌رو را شامل دو چالش «بنیادی» توصیف کرد؛ رقابت برای «شکل دادن به آینده نظم بین‌المللی» و پرداختن به «چالش‌های فراملی» مانند تروریسم، تغییرات آب و هوایی و پاندمی‌ها؛ (Sullivan, 2022: 41) بنابراین، در این سند، طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ملی آمریکا از جمله رقابت‌های جهانی با قدرت‌های بزرگ، تهدیدات فناوری‌های نوظهور، چالش‌های چندستونی در غرب آسیا، تهدید ایران منطقه‌ای و نظایر این‌ها پرداخته شده است. (Garamone, Oct. 13, 2022)

همچنین با توجه به متن سند، جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدیدی چندسطحی علیه منافع ایالات متحده در غرب آسیا ارزیابی شده است. از این رو ضرورت دارد ضمن بررسی سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا، نگاه کاخ سفید به چگونگی ارتباط با کشورمان مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، هدف اصلی این تحقیق، تبیین جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سند استراتژی امنیت ملی دولت بایدن است. اهداف فرعی نیز عبارتند از: ۱- تبیین سازوکارهای آمریکا در سند ۲۰۲۲ امنیت ملی برای مقابله با چالش ایران، ۲- تبیین راهکارهای خنثی کننده جمهوری اسلامی ایران علیه تهدیدات آمریکا در سند امنیت ملی ۲۰۲۲.

مبانی نظری

اسناد راهبردی آمریکا بر اساس دکترین و مکاتب فکری این کشور تدوین و منتشر می شوند و مبتنی بر مفهوم استثنائگرایی^۱ به عنوان مهم ترین مؤلفه شکل دهنده هویت سیاسی آمریکا است. استثنائگرایی به رفتار یا نگرش آمریکا اطلاق دارد که خود را برتر از دیگران می پندارد و مزایایی برای خود قائل است و همچنین خودش را به عنوان الگو به دیگران معرفی می کند. «رستاد» معتقد است که استثنائگرایی آمریکایی یک افسانه قدرتمند، ماندگار و محبوب در طول تاریخ بوده و در گسترش سیاست خارجی استفاده شده است (شریف زاده، ۱۳۹۸: ۳۲). با این حال، مفهوم استثنائگرایی به دو نقش متمایز آمریکا در جهان، یکی به نقش رهبری (مداخله گرایی) و دیگری به نقش الهام بخشی (انزواگرایی) اشاره دارد. در نقش اول، آمریکا به عنوان نیرویی است که باید جهان را «بهرتر» کند و به اشاعه دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در سرزمین هایی که از خوشبختی کمتری برخوردارند، پردازد. نقش الهام بخش بودن آمریکا نیز به موقعیت ممتاز آمریکا به عنوان یک سرزمین موعود اشاره دارد که اگر با جهان خارج در ارتباط باشد، آلوده می شود.

برداشت انزواگرا از استثنائگرایی معمولاً به شکل گیری دو سنت جکسونی (سرمشق گرای منفعت محور) و جفرسونی (سرمشق گرای ارزش محور) می شود و بین الملل گرایی نیز به ایجاد همیتونیسیم (رسالت گرای منفعت محور) و ویلسونی (رسالت گرای ارزش محور) اشاره دارد. سنت جکسونی اعتقاد چندانی به استفاده از دیپلماسی در روابط بین الملل ندارد و معتقد به استفاده از قدرت نظامی برای پیشبرد اهداف و مقابله با تهدید است. این سنت همه چیز را سیاه و سفید می بیند

1- Exceptionalism

و همیشه نیاز به یک دشمن دارد. تبعیض نسبت به مسلمانان و سیاهپوستان و همچنین اقدام مهلک علیه مخالفان از ویژگی‌های این تفکر است (Garamone, 2022: 23). سنت جفرسونی به عنوان یکی دیگر از سنت‌های انزواگرایی، به عدم دخالت آمریکا در امور کشورهای دیگر و همچنین اجازه ندادن به دخالت دیگران در آمریکا اشاره دارد. جفرسون‌ها به دنبال آن هستند تا آن چیزی را که به طور انحصاری در زندگی آمریکایی ارزشمند هست، به‌ویژه اعتقاد به آزادی و دموکراسی را حفظ کنند.

سنت همیلتونی به عنوان یکی از سنت‌های بین‌الملل‌گرایی، که «واقع‌گرایی آمریکایی» هم نامیده می‌شود، بیشتر در مورد منافع ملی و موازنه قدرت صحبت می‌کند. حمایت از سرمایه‌گذاران و ایجاد محیطی ایده‌آل برای آنها، صنعتی‌سازی، آزادی دریا و درهای باز جایگاه ویژه‌ای در اندیشه همیلتونی دارد. در این اندیشه، استثناگرایی مبتنی بر رهبری اقتصادی آمریکا بر جهان از طریق بازیابی «منافع ملی و غرور ملی» است. سنت ویلسونی نیز به رساله «صلح پایدار» امانوئل کانت اشاره دارد. بر اساس این سنت، تنها راه جلوگیری از جنگ بزرگ دیگر، انتقال ارزش‌های دموکراتیک به اروپا و گسترش آن در سرتاسر جهان و ایجاد یک جامعه بین‌المللی صلح‌طلب همراه با حاکمیت قانون است. توجه به ارزش‌ها، هنجارها، تعهدات و سازمان‌های بین‌المللی از دیگر موضوعات مورد تأکید این سنت است. (مطلبی و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۵۶)

علاوه بر سنت‌های فکری، اولویت‌های راهبردی آمریکا نیز در جهت‌گیری کلان این کشور مؤثر هستند. اولویت‌های آمریکا در طول تاریخ مبتنی بر مسائل امنیتی، اقتصادی و تمدنی (ارزشی) بوده و در هر دوره با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی اولویت خاصی را مورد توجه قرار داده است. به طوری که در عصر تفوق و ایدئولوژیک، مداخله‌گرایی و اولویت‌های ارزشی در صدر لیست ترجیحات سیاستمداران قرار می‌گیرد، اما در عصر افول و ژئوپلیتیک، انزواگرایی و اولویت‌های امنیتی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. (رضاخواه و آقاحسینی، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۲).

استراتژی امروز آمریکا نیز با توجه به دیدگاه راهبردی این کشور، مبتنی بر رقابتی بودن جهان در نظم در حال گذار، ائتلاف‌گرایی و تعیین اولویت‌های امنیتی و اقتصادی است.

پیشینه پژوهش

- در خصوص اسناد امنیت ملی آمریکا و راهبردهای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، پیشینه‌های مختلفی نگاشته شده که مرتبط‌ترین آنها با مقاله فوق شامل موارد زیر است:
- ۱- یوسفی و حبیبی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اسناد راهبردی آمریکا (استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و استراتژی نظامی ملی)» به این نکته مهم پرداختند که «دولت‌ها با انتشار اسناد راهبردی تلاش می‌کنند تا توضیح دهند که جایگاه کشور در دنیا از نگاه آنها چگونه است و با چه ابزاری به دنبال دستیابی به آن اهداف هستند.» یافته‌های حاصل از بررسی اسناد راهبردی آمریکا نشان می‌دهد که این بازیگر، جهان را به شدت رقابتی می‌بیند. تمرکز آمریکا بر اهداف به «بهبود توانایی و نقش آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت» و «بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی» در تهدیدات به «نظامی پایین‌تر از حد متعارف و غیرنظامی خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز»، در ابزارها به «ابزار نظامی و دیپلماسی» و در روش‌های به کارگیری از ابزارها نیز در رویکرد «آمادگی و ترغیب کردن» و در شیوه اقدام به «یکجانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی» است. پنج مقوله اصلی که در این بررسی این مقاله استفاده شده‌اند، شامل «دیدگاه استراتژیک»، «اهداف و منافع»، «تهدیدات»، «ابزارها» و «روش‌های اقدام» هستند.
 - ۲- جهانیان و اسلامی (۱۳۹۹)؛ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم» به بررسی مقایسه‌ای پنج استراتژی امنیت ملی اخیر آمریکا پرداخته‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که دولت‌های بوش و اوباما در تعریف کلی مسئله تهدید و چالش‌های پیش روی آمریکا با هم اختلاف داشته‌اند، اما عمدتاً در زمینه اهداف امنیت ملی هم نظر بودند. اختلاف اساسی آنها در زمینه اهمیت نسبی نظم بین‌الملل بوده است. همچنین، استراتژی‌های امنیت ملی بوش و اوباما درباره ابزارها و رویکردهای سیاست خارجی تا حد زیادی (منهای جنگ پیش‌دستانه) شبیه یکدیگر بوده است. این در حالی است که در دولت ترامپ، زبان بیان مسئله و ارائه اهداف و رویکردها تغییر کرده و در پرتو واقع‌گرایی اصولی و خوداتکایی ملل، استراتژی «اول آمریکا» با نفی مسئولیت‌های بین‌المللی، کاستن از تعهدات نظامی، حمایت‌گرایی اقتصادی و تحریم و همچنین کاربست ملی‌گرایی، تفاوت قابل توجهی را منعکس می‌کند.

۳- رضایی میرقائد و شهابی و اکبرزاده (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مدل راهبردی سیاست های ایالات متحده در قبال ج.ا.ایران با تاکید بر سه گفتمان کلان امنیتی (دوران ریاست جمهوری جو بایدن) به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های تقابلی ایالات متحده در قبال ایران دارای دارای قبض و بسط‌های متعددی از سیاست‌های تخریب وجه بین‌المللی تا رویکردهای مبتنی بر تهدید و ترور بوده است. سیاست‌های کلان ایالات متحده در این دوره شامل توقف و مهار با ایجاد تأخیر در توسعه بومی دانش هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، بی‌ثبات‌سازی امنیت داخلی و نظم عمومی و اخلاقی در سیاست‌های منطقه‌ای ایران دارد. در نهایت به دنبال وادارسازی ایران به همسوسازی رفتار خود با سیاست‌های امریکا و افزودن هزینه ایران برای دفاع از اولویت‌های منافع ملی خود در ساختار امنیتی- دفاعی خاورمیانه می‌باشد که در قالب یک مدل راهبردی تدوین می‌گردد.

۴- کشکوئی و مسعودنیا و گودرزی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوباما و ترامپ (براساس تئوری رئالیسم تهاجمی میرشایمر و رئالیسم تدافعی والتز)» به این نتیجه رسیدند که سیاست خارجی اوباما در قبال ایران با استفاده از رویکرد تعامل و فشار (قدرت هوشمند) موفقیت‌آمیز بود، ولی سیاست خارجی ترامپ با توجه به ماهیت تهاجمی و شکاف در اردوگاه غرب، ناکام ماند. هر دو رئیس‌جمهور سعی داشتند با ایجاد بحران‌های سیاسی، اقتصادی و تهدیدات نظامی در ابعاد داخلی و خارجی، منافع ج.ا.ایران را به چالش بکشند. اوباما توانست با دستیابی به توافق هسته‌ای، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مهار کند، ولی ترامپ با خروج از توافق هسته‌ای، نه تنها نتوانست دستاوردهای اوباما را حفظ کند، بلکه دستاورد او در مهار ایران برای تأمین منافع ملی آمریکا تقریباً هیچ بود.

نکات مشترک این مقاله با پیشینه‌های یاد شده عبارتند از: الف- برنامه‌دار بودن سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، ب) ظالمانه بودن سیاست‌ها و راهبردهای آمریکا علیه ج.ا.ایران، ج- ناکامی آمریکا در اعمال تحریم‌های هسته‌ای، پ- موفقیت آمریکا در تحریم‌های اقتصادی. نکات افتراق: الف) در مقاله اول به مکاتب و دکترین‌های مختلف امنیتی آمریکا پرداخته‌اند که حاکم بودن هر کدام از آنها می‌تواند تأثیر متفاوتی بر وضعیت جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. ب) در مقاله دوم به شیوه‌های قالب‌بندی و توجیه عناصر اصلی سیاست‌های امنیتی و خارجی آمریکا پرداخته شده است که این موضوع بر تهدیدانگاری جمهوری اسلامی

ایران در دولت‌های مختلف آمریکا تأثیرگذار است. ج) در مقاله سوم به سیاست‌های تقابلی ایالات متحده در قبال ایران از تخریب وجه بین‌المللی تا رویکردهای مبتنی بر تهدید و ترور پرداخته است. د) در مقاله چهارم به ابزارهای موفقیت‌آمیز سیاست خارجی اوباما در قبال ایران در مقایسه با ترامپ پرداخته است. مهم‌ترین نوآوری این تحقیق، تبیین جهت‌گیری خاص امنیتی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بر اساس مکاتب و دکترین‌های امنیتی این کشور و نیز تدوین سازوکارهای مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران با تهدیدهای آمریکا در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ این کشور است.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع کاربردی بوده و به روش تکوین استقرایی مقوله‌ها انجام شده است. در روش استقرایی، کدگذاری با مطالعه دقیق متن و استخراج تفاسیر گوناگونی که در متن وجود دارد، شروع می‌شود؛ سپس پژوهشگر بخش‌هایی از متن را که حاوی واحد معنایی است، استخراج می‌نماید و برای طبقه‌بندی، نامی تعیین و آن را به بخش متنی مربوطه مرتبط می‌کند. در راستای پاسخ به سؤالات تحقیق، پس از بررسی و مطالعات سند استراتژی امنیت ملی بایدن، با بکارگیری نرم افزار تحلیل کیفی «مکس کیودا»، در ابتدا متن اسناد با واحد «مقوله» انتخاب شدند. سپس مقوله‌ها بصورت اکتشافی از متن مصاحبه‌ها استخراج شده و به یک «گزاره» راهبردی تبدیل شده است. در گام بعدی مقوله‌هایی که دارای بار معنایی مشترک بوده، با هم انسجام داشته و همخوانی داشتند، تحت عنوان یک گزاره مهم دسته‌بندی و سازماندهی شده است. با توجه به اهداف تحقیق تعداد ۵۱ مقوله و ۱۵ گزاره راهبردی احصاء و به تأیید ۳۰ نفر از خبرگان رسیده است. اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» با استفاده از ابزار مصاحبه و «کتابخانه‌ای» با استفاده از سند ۲۰۲۲ امنیت ملی بایدن گردآوری و عوامل موثر شناسایی شده است. عامل‌هایی که میانگین نمرات آنها بیشتر از ۳ باشند دارای روایی و پایایی هستند.

یافته‌های پژوهش

جایگاه و راهبرد سند امنیت ملی بایدن

سند استراتژی امنیت ملی، آینده‌ای است از اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده چگونه در باب وضعیت جهان می‌اندیشد و اینکه چگونه دولت وی بناست چالش‌های پیش روی کشور و نظم جهانی را مدیریت کند. در این راستا، دولت بایدن ابتدا در مارس ۲۰۲۱، سند ۲۴ صفحه‌ای را تحت عنوان «دستورالعمل موقتی برای استراتژی امنیت ملی» منتشر کرده که هدف آن، فاصله گرفتن فوری از سیاست اول آمریکای ترامپ، مقابله اضطراری با پاندمی کرونا، همکاری جهانی برای مقابله با نفوذ چین و احیای همکاری آمریکا با متحدان بود. متعاقب با این سند، دولت بایدن سند جدید و اصلی امنیت ملی آمریکا را در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ منتشر کرد که این سند به محورهای مهم و دغدغه‌های راهبردی فراروی آمریکا پرداخت. انتشار این سند که بعد از بحران اوکراین و نیز موضوع اغتشاشات داخلی ایران به‌وقوع پیوست، لحن متفاوت‌تری نسبت به سند موقت قبلی به‌ویژه نسبت به موضوع خطر فوری روسیه، ناآرامی داخلی ایران و موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی داشت.

به‌طور کلی، سند جدید امنیت ملی مشتمل بر ۴۸ صفحه و پنج قسمت است. در قسمت اول، این سند به ترسیم وضعیت آینده ایالات متحده و جهان می‌پردازد. در قسمت دوم، به سرمایه‌گذاری‌های آمریکا روی توانایی‌های (قدرت‌های) خود پرداخته شده است. در قسمت سوم به اولویت‌های جهانی از نظر آمریکا پرداخته شده است. در این قسمت که یکی از مهم‌ترین بخش‌ها می‌باشد بر روی کشورهای مختلف و تهدیدهای آن‌ها از نظر ایالات متحده می‌پردازد. در قسمت چهارم و پنجم به سایر چالش‌ها و دغدغه‌های فراروی دولت ایالات متحده از جمله ارزش‌های لیبرالی و ترویج آن، تقویت اتحادهای خارجی، تقویت ارتش ملی و... می‌پردازد. «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی آمریکا در معرفی این سند، «دهه سرنوشت‌ساز» پیش رو را شامل دو چالش «بنیادی» توصیف کرد؛ رقابت برای «شکل دادن به آینده نظم بین‌المللی» و پرداختن به «چالش‌های فراملی» مانند تروریسم، تغییرات آب و هوایی و پاندمی‌ها. به‌طور کلی، مهم‌ترین محورهای مندرج در سند استراتژی ۲۰۲۲ آمریکا را می‌توان در محورهای زیر بیان کرد:

الف) چین؛ بزرگ‌ترین تهدید

چین نقش برجسته‌ای در سند امنیت ملی ایالات متحده بازی می‌کند و بیش از یک‌بار در کل متن، چین را متهم به «تلاش برای تغییر شکل نظام بین‌الملل می‌کند.» در صفحه ۱۱ این سند اینطور

آمده است: «جمهوری خلق چین مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی آمریکا به شمار می‌رود. با آنکه منطقه «ایندو-پاسیفیک» جایی است که نتایج این چالش بیشتر شکل داده خواهد شد، اما این چالش ابعاد جهانی مهمی خواهد داشت.» با این حال، به دلیل توانمندی‌های گسترده جمهوری خلق چین نسبت به روسیه، ایالات متحده در سند امنیت ملی، به دنبال رقابت مؤثر با چین بوده است؛ زیرا این کشور به عنوان «تنها رقیب هدفمندی محسوب می‌شود که به شکلی فزاینده‌ای توانایی تغییر نظم بین‌المللی دارد». بنابراین، در راهبرد جدید امنیت ملی آمریکا از قصد «رقابت مؤثر با چین» سخن گفته شده است. امکان «همزیستی مسالمت‌آمیز» با چین پذیرفته شده و سهم تعیین‌کننده آن در اقتصاد جهانی و حل مشکلات جهانی به رسمیت شناخته شده است. نتایج مطالعات سال‌های اخیر آمریکا در مورد چین بالأخره خود را در سند امنیت ملی این کشور نمایان کرده و چین به عنوان تهدید اصلی ایالات متحده آمریکا عنوان شده است. بر اساس اسناد راهبردی آمریکا و تحلیل استراتژیست‌های آمریکایی، چین تنها کشوری است که می‌تواند به پشتوانه قدرت اقتصادی به جایگاه ابرقدرتی جهان دست پیدا کند. «فرید ذکریا» در کتاب «از ثروت به قدرت» که بر تاریخ طولانی رشد ایالات متحده از یک مستعمره به جایگاه یک ابرقدرت جهانی پرداخته، بر «نقش تمرکز نسبتاً طولانی مدت دولت‌ها بر «تولید ثروت اقتصادی» توجه می‌کند؛ امری که در بلندمدت سبب انبساط و گسترش قدرت آنها در عرصه بین‌المللی می‌شود». (Zakaria, 1999: 123) در این کتاب، ذکریا به این مسائل پاسخ می‌دهد که چگونه برخی دولت‌ها از جمله چین به پشتوانه تولید ثروت می‌توانند به جایگاه قدرت‌های بزرگ «چرخش» کنند و اینکه چگونه این دولت‌های ثروتمند به گسترش نفوذشان در عرصه خارجی مبادرت می‌ورزند.

ب) روسیه؛ اخلاص گری بزرگ

دولت بایدن در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ اعلام کرده که: «روسیه، تهدیدی مستمر و فوری برای نظم منطقه‌ای در اروپا به شمار می‌رود و در سطح جهان منبع آشوب و بی‌ثباتی است؛ با وجود این، روسیه فاقد توانمندی‌های گسترده جمهوری خلق چین است.» در این راستا، آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲ بیان کرد که «روسیه به‌ویژه در دوره ریاست جمهوری پوتین، یک اخلاص‌گر بزرگ است و می‌تواند در دسرهای بزرگی ایجاد کند.» وی تصریح کرد: «ما این

1- From Wealth to Power

رویکرد (روسیه) را در اوکراین می‌بینیم. ما بحران اوکراین را نوعی مخالفت اساسی پوتین با نظامی می‌بینیم که پس از دو جنگ جهانی و سپس پس از جنگ سرد با مجموعه‌ای اساسی از قوانین و اصولی که از نظر ما برای کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، ظهور کرد. این نظم در تضاد مستقیم با آنچه پوتین در تلاش است با هدف ایجاد یک امپراطوری روسیه یا یک شوروی سابق انجام دهد، قرار می‌گیرد. (Heuser, 2023: 55)

بنابراین در سند امنیت ملی آمریکا در خصوص روسیه، تصمیم گرفته شد که با «رویکرد کارکردی» برای «تعامل در مناطق» عمل گردد. در حالی که رفتار روسیه در قطب شمال خطر درگیری‌های غیرعمدی را به همراه دارد، اما ایالات متحده قصد دارد مشارکت با متحدان در منطقه را تقویت کند: «ایالات متحده به دنبال درگیری یا جنگ سرد جدید و همچنین تشدید رقابت بین کشورها به شکل‌گیری «بلوک‌های سخت»^۳ نیست. «تحویل جنگ‌افزارها و تقویت تعهدات به متحدان عمل می‌گردد، علاقه‌مندی به حفظ ثبات راهبردی و ایجاد مکانیسم‌های شفاف کنترل تسلیحات برای جایگزینی START-3 انجام می‌شود.» (Mahnken, 2023: 91)

ج) خاورمیانه در سند ۲۰۲۲ آمریکا

سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، در ادامه چارچوب جدیدی برای سیاست‌های کاخ سفید در منطقه غرب آسیا طراحی کرده که بر ۵ اصل استوار است: اصل نخست، این است که ایالات متحده شراکت خود را با کشورهایی که به «نظم بین‌المللی قانون‌محور»^۴ (نظم لیبرالی) پایبند باشند تقویت خواهد کرد و اطمینان حاصل خواهد کرد که آن کشورها قادر به دفاع از خود در برابر تهدیدهای خارجی خواهند بود. دوم، اینکه ایالات متحده به قدرت‌های خارجی یا منطقه‌ای اجازه نخواهد داد آزادی دریانوردی از طریق گذرگاه‌های خاورمیانه از جمله تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب را به خاطر بیندازند. سوم، ایالات متحده هم‌زمان با تلاش برای کاستن از تهدیدها و ایجاد ثبات منطقه‌ای به دنبال کاستن از تنش‌ها و پایان دادن به درگیری‌ها از طرق مختلف از جمله از طریق «دیپلماسی» خواهد بود. چهارم، ایالات متحده از طریق ایجاد پیوندهای سیاسی، اقتصادی

- 1- A functional approach
- 2- Interaction in regions
- 3- Hard blocks
- 4- Law-oriented international order

و امنیتی به دنبال «تقویت یکپارچگی» در منطقه خواهد بود. (Francis, 2023: 23) پنجم، ایالات متحده همواره به دنبال ترویج «حقوق بشر» و ارزش‌های درج‌شده در منشور سازمان ملل متحد خواهد بود. در این سند همچنین به تقویت، نوسازی و گسترش ارتش ایالات متحده برای مقابله با چالش‌های فراروی این کشور در منطقه غرب آسیا و سایر مناطق جهان اشاره مکرر شده است. دولت واشنگتن همچنین به «خستگی از جنگ» در غرب آسیا اشاره کرده و متعهد می‌شود که «متحدان و شرکای خود را برای پیشبرد صلح و رفاه منطقه توانمند ساخته و در عین حال نیازهای این منطقه از ایالات متحده را در درازمدت کاهش بدهد.» (Dodge and Matthew, 2023) دولت بایدن در سال گذشته با اعلام پایان حضور واشنگتن در افغانستان، به طولانی‌ترین حضور منازعه‌آمیز تاریخ آمریکا پایان داد اما دو حزب سیاسی اصلی واشنگتن از آن به عنوان ضعیف‌اندیشی، بی‌توجهی به متحدان محلی و در نهایت خودخواهی یاد کردند، زیرا طالبان ظرف یک ماه دوباره قدرت را در افغانستان به دست آورد.

د) جمهوری اسلامی ایران در سند ۲۰۲۲ امنیت ملی آمریکا

در استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا، موضوع چالش ایران در کنار چالش روسیه در فضای اوراسیا و چالش چین در وضعیت جهانی، سه ضلع مهم مثلث تهدید علیه امنیت ملی آمریکا را تشکیل می‌دهد. در خصوص ایران در این سند به‌طور مشخص از «شش» نگرانی و اتهام اشاره شده که شامل «دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه»، «اشاعه موشکی و پهپاد»، «صدمه زدن به آمریکایی‌ها از جمله مقام‌های سابق»، «تهدید آزادی دریانوری»، «پیش بردن برنامه هسته‌ای به فراسوی نیاز» و نیز «تضییع حقوق اساسی مردم کشور خود» است.

۱- دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه

در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا به صراحت بیان شده که «ما به همکاری با متحدان و شریکانمان برای تقویت توانمندی‌های آن‌ها جهت مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران و ایجاد بازدارندگی در برابر آن ادامه خواهیم داد.» (Jankowski, 2023: 87) لاز جمله ادعاهایی که در طول چهار دهه اخیر واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند، بحث دخالت تهران در تحولات سایر کشورها است. کاخ سفید در دوران رؤسای جمهور مختلف، مدعی است ایران در

1- Strengthening integrity

ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی سایر کشورها دخالت و تلاش می‌کند تا با فضاسازی، بر روندهای سیاسی سایر بازیگران تأثیرگذار باشد. حجم فضاسازی رسانه‌ای آمریکا به حدی گسترده است که حتی واشنگتن مدعی دخالت ایران در انتخابات کنگره این کشور شده است.

۲- اشاعه موشکی و پهپاد

مقامات جمهوری اسلامی ایران مدعی هستند، به فراخور تهدیدات، میزان برد و حجم قدرت موشک‌های خود را ارتقا می‌دهند. بر همین اساس برد موشک‌های ایرانی به بالای ۲ هزار کیلومتر رسیده و از طرفی میزان خطای موشک‌های ایرانی نیز به کمتر از ۴ مترمربع کاهش یافته که نشان از توانایی بالای تهران در صنعت نظامی مذکور است. حملاتی که ایران علیه احزاب مخالف کوموله در داخل خاک اقلیم کردستان عراق انجام داد نشان داد که تهران در استفاده از صنعت موشکی علیه اهداف خود مصمم است. در کنار آن بومی شدن صنعت پهپادی و حتی طرح مباحثی در خصوص صادرات پهپاد به کشورهای مختلف نشان داده که ایران به پیشرفت‌های قابل توجهی در صنعت پهپادی دست یافته است. کاخ سفید بر این باور است که اشاعه و گسترش صنعت نظامی در زمینه موشک و پهپاد از سوی تهران می‌تواند متحدان و حتی منافع مستقیم ایالات متحده را در منطقه مورد تهدید قرار دهد از این رو در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا، خود را ملزم به اعمال محدودیت علیه قدرت نظامی مذکور کرده است.

۳- صدمه زدن به آمریکایی‌ها از جمله مقام‌های سابق

در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا به صراحت بیان شده که «ایران در حال توطئه‌چینی برای صدمه زدن به آمریکایی‌ها از جمله مقام‌های سابق است» همچنین در این سند اشاره دارد که «تهدیدهای ایران علیه کارکنان آمریکایی و همچنین مقام‌های فعلی و سابق آمریکا تحمل نخواهد شد و همان‌طور که نشان داده‌ایم، هنگامی که مردم و منافع ما مورد حمله قرار گیرند، پاسخ خواهیم داد.» (Jankowski, 2023: 87) بعد از ترور قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، بحث انتقام سخت از سوی مقامات ایرانی علیه بانیان ترور مذکور مطرح بوده است. گزارش‌های اطلاعاتی نیز از احتمال بودن اقدام از سوی ایران حکایت دارد. با توجه به عزم تهران برای اقدام علیه شخصیت‌های دخیل در ترور قاسم سلیمانی، آمریکا به صراحت نسبت به هر گونه تحرک

واکنش نشان داده و عزم خود را برای ممانعت از اقدام تهران در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ بیان کرده است.

۴- تهدید آزادی دریانوردی

تأمین امنیت خطوط کشتیرانی در خلیج فارس و عمان برای آمریکا و متحدانش دارای اهمیت است. در راهبرد فشار حداکثری، یکی از مهم‌ترین راهبردها اعمال محدودیت علیه خطوط کشتیرانی کشتی‌هایی بود که از مبدأ یا مقصد جمهوری اسلامی ایران تردد داشتند. این محدودیت با هدف تضعیف درآمدها و راه‌های منابع درآمدی انجام گرفت که از جمله آن می‌توان به توقیف برخی کشتی‌هایی که با پرچم ایران در آب‌های آزاد تردد داشتند اشاره کرد؛ اما ایران بیان کرد که هرگونه اقدام در این زمینه را پاسخ خواهد داد که توقیف کشتی انگلیسی نمونه‌ای از اقدام ایران بود. با توجه به عزم جدی تهران برای ضربه به اهداف مورد نظر، واشنگتن حساسیت خود را نسبت به اقدام احتمالی ایران در سند ۲۰۲۲ امنیت ملی خود بیان کرده است.

۵- پیش بردن برنامه هسته‌ای به فراسوی نیاز

در متن سند امنیت ملی ۲۰۲۲ به بحث هسته‌ای ایران نیز اشاره و اظهار می‌دارد: ایران در حال پیش بردن برنامه هسته‌ای خود به فراسوی حد مورد نیاز است. همچنین بیان شده که «ما پیگیری دیپلماسی را ادامه خواهیم داد تا اطمینان حاصل کنیم ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد. همزمان، آماده خواهیم بود در صورت شکست دیپلماسی، از گزینه‌های دیگر استفاده کنیم.» (Heuser, 2023: 11) در مقایسه دو سند مارس ۲۰۲۱ و اکتبر ۲۰۲۲ درباره پرونده هسته‌ای ایران اهمیت دارد این است که در سندی که مارس ۲۰۲۱ یعنی چند ماه بعد از روی کار آمدن بایدن و پیش از آغاز مجدد مذاکرات هسته‌ای بین دولت روحانی-بایدن منتشر شد از شکست دیپلماسی صحبتی نشده و لذا به بررسی ابزارهای جایگزین شکست دیپلماسی نیز نپرداخته است؛ اما در سند اکتبر ۲۰۲۲ فضا متفاوت است. اگر بایدن در سند ابتدایی و موقت به ابزارهای جایگزین اشاره نکرده دلیلش این است که رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا در ماه‌های ابتدایی حضورش در کاخ سفید و پیش از شروع گفت‌وگوها با ایران اولاً مشتاق بود که بار دیگر این میراث دموکرات‌ها را زنده کند و ثانیاً احتمال شکست در مذاکرات را نمی‌داد؛ اما امروز دولت مستقر در واشنگتن یکی از گزینه‌های محتمل درباره برجام را شکست احیای برجام می‌داند؛

بنابراین در سند امنیت ملی اش گفته که در این صورت به گزینه‌های جایگزین متوسل خواهند شد. (Mahnken, 2023: 77)

۶- تضييع حقوق اساسی مردم کشور خود

یکی از نکات مهم دیگری که در این سند درباره ایران آمده است، این است که واشنگتن مدعی است همیشه در کنار تلاش مردم ایران برای دستیابی به حقوق اولیه‌ای که تهران آنان را برای مدت‌ها از آن‌ها محروم کرده، خواهد ایستاد. بیان چنین ادبیاتی و به این صراحت در اسناد بالادستی در کنار سخنان مداخله‌جویانه دولتمردان کاخ سفید و حمایت از اغتشاشات، گواه این امر است که برخلاف آنچه آمریکایی‌ها در ظاهر در اواخر ادعا می‌کردند که به دنبال براندازی امنیت ملی خود منعکس می‌کنند.

در جدول زیر (جدول شماره ۱) بر اساس تحلیل محتوای انجام شده از سند ۲۰۲۲ امنیت ملی آمریکا و همچنین مصاحبه عمیق با ۳۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران تعداد ۱۹ مقوله و ۶ گزاره راهبردی در این موضوع به دست آمده که همگی مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است. مقوله‌ها و گزاره‌ها با میانگین بالای ۴ مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است. بنابراین از روایی و پایایی بالای برخوردار هستند.

جدول ۱: کد گذاری باز و محوری جایگاه ج.ا.ایران در سند ۲۰۲۲ امنیت ملی آمریکا

ردیف	مقوله	گزاره	میانگین
۱	۱- اقدامات بی‌ثبات کننده ایران ۲- بازدارندگی شرکا و متحدان آمریکا در برابر ایران، ۳- دخالت ایران در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ۴- فضا سازی، بر روندهای سیاسی سایر بازیگران.	دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه	۴,۲
۲	۱- میزان برد و حجم قدرت موشک‌های ایران، ۲- بومی شدن صنعت پهپادی ایران، ۳- صادرات پهپاد و موشک به سایر کشورها.	اشاعه موشکی و پهپاد	۴,۴
۳	۱- طراحی ایران برای صدمه زدن به مقام‌های فعلی و سابق آمریکا	صدمه زدن به آمریکایی‌ها از	۴,۳

ردیف	مقاله	گزاره	میانگین
	۲- تهدیدهای ایران علیه کارکنان آمریکایی ۳- گفتمان انتقام سخت از سوی مقامات ایران	جمله مقام‌های سابق	
۴	۱- امنیت خطوط کشتیرانی در خلیج فارس و عمان ۲- اعمال محدودیت علیه خطوط کشتیرانی ۳- توقیف کشتی‌هایی با پرچم ایران	تهدید آزادی دریانوردی	۴,۲
۵	۱- پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، ۲- پیگیری دیپلماسی ۳- پیچیده شدن مذاکرات هسته‌ای، ۴- شکست احیای برجام،	پیش بردن برنامه هسته‌ای به فراسوی نیاز	۴,۱
۶	۱- محروم کردن ایران از حقوق اساسی خود، ۲- سخنان مداخله‌جویانه دولتمردان کاخ سفید، ۳- حمایت از اغتشاشات و براندازی	تضییع حقوق اساسی مردم کشور خود	۴,۲

ه) تبیین سازوکارهای آمریکا در سند ۲۰۲۲ امنیت ملی برای مقابله با چالش ایران

واقعیت سند راهبردی ۲۰۲۲ آمریکا نسبت به ایران بیانگر آن است که جمهوری اسلامی در حال افزایش قدرت ملی خود بوده و این امر می‌تواند زمینه لازم را برای ایجاد چالش‌های جدید در محیط پیرامونی به وجود آورد. آمریکایی‌ها به این موضوع اشاره دارند که ایران در حال توسعه قدرت ابزاری برای اثربخشی بر امنیت منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس است. در دیدگاه مقام‌های آمریکا، ایران می‌تواند موازنه جدیدی در محیط امنیتی به وجود آورد. اگر ایران به سطح جدیدی از همکاری و ائتلاف با قدرت‌های جهانی یعنی چین و روسیه دست یابد، در آن شرایط تبدیل به نیروی پرمخاطره برای منافع و امنیت منطقه‌ای آمریکا خواهد شد. در نگرش امنیتی آمریکا همچنین ثبات اقتصادی برای انتقال انرژی از خلیج فارس نقش مهم و تعیین‌کننده دارد. (Jankowski, 2023: 87) هرگونه تنش منطقه‌ای می‌تواند ثبات در قیمت و انتقال انرژی منطقه‌ای به بازارهای جهانی را با تهدید و مخاطره روبه‌رو سازد. آمریکا با نشانه‌های وضعیت بی‌ثبات‌ساز مخالف است و برای مقابله با ایران، از سازوکارهای کنش ائتلاف‌ساز علیه ایران بهره

می‌گیرد. در همین راستا، کاخ سفید مجموعه راهبردهایی را در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ خود علیه ایران اتخاذ کرده است:

۱- واگذاری مسئولیت: از جمله راهبردهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، راهبرد واگذاری مسئولیت به بازیگران مختلف است. برخی نیز از این راهبرد تحت عنوان تقسیم وظایف یاد می‌کنند. در این راهبرد آمریکا از ظرفیت سایر کشورها و یا حتی سایر بازیگران برای مهار یا تضعیف جمهوری اسلامی ایران بهره می‌گیرد.

۲- استفاده از ابزار تحریم: این سازوکار نیز در طول چهار دهه اخیر علیه کشورمان استفاده شده است. در سال‌های ابتدایی تنش در روابط تهران-واشنگتن، ایالات متحده تحریم را در صنایع نفتی ایران برقرار کرد اما در ادامه با استفاده از سازوکارهای بین‌المللی و ابزارهای مختلف همچون سازمان ملل، شورای امنیت، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و ... بر ابعاد آن افزود. ۳- مهار دیپلماتیک: در این راهبرد تلاش برای اجماع‌سازی و افزایش همکاری با کشورهای منطقه در ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله راهبردهای ایالات متحده است. تشکیل ائتلاف تحت عناوین مختلف و حتی در زمینه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی که یک‌طرف آن آمریکا و طرف دیگر برخی کشورهای منطقه است، در راهبرد ائتلاف‌سازی آمریکا جای دارد. (برزنونی و فرهادی، فرشید، ۱۳۹۹: ۱۱)

۴- راهبرد موازنه‌ساز: این راهبرد بر اساس این منطق بنیان نهاده شده که با توجه به اینکه تضعیف و شکست نظام جمهوری اسلامی ایران با شکست مواجه شده، بنابراین باید کشورهای منطقه را تقویت کرد تا بتوانند به سطوح نزدیک ایران رسیده و در صورت امکان کشورمان خود را در حلقه کشورهای هم‌تراز و مخالف دیده و همین مسئله قدرت چانه‌زنی و مانور ایالات متحده را علیه ج.ا.ایران افزایش دهد.

طبق جدول زیر (جدول شماره ۲)، سازوکارهای آمریکا برای مقابله با چالش ایران در سند ۲۰۲۲ در ۴ محور قابل جمع بندی است. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از اسناد موجود در این هدف تعداد ۱۲ مقوله و ۴ گزاره راهبردی به دست آمده که همگی مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است. مقوله‌ها و گزاره‌ها با میانگین بالای ۴ مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است، بنابراین از روایی و پایایی بالای برخوردار هستند.

جدول ۲: کد گذاری باز، محوری و انتخابی سازوکارهای آمریکا برای مقابله با چالش ایران

ردیف	مقوله	گزاره	میانگین
۱	۱- واگذاری مسئولیت به بازیگران مختلف، ۲- تقسیم وظایف با کشورهای مختلف، ۳- استفاده از ظرفیت سایر کشورها و یا حتی سایر بازیگران برای مهار یا تضعیف ایران.	واگذاری مسئولیت	۴,۱
۲	۱- تحریم صنایع نفتی، ۲- تسری تحریم از صنایع نفتی به سایر حوزه‌ها، ۳- تحریم‌های بین‌المللی با استفاده از ابزارهای مختلف همچون سازمان ملل، شورای امنیت، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی.	استفاده از ابزار تحریم	۴,۲
۳	۱- جماع‌سازی و افزایش همکاری منطقه‌ای علیه ایران، ۲- ائتلاف‌سازی بین‌المللی علیه ایران، ۳- تشکیل ائتلاف سیاسی، امنیتی و اقتصادی.	مهار دیپلماتیک	۴
۴	۱- تضعیف موقعیت ایران با استفاده از فشارهای چندجانبه، ۲- تقویت کشورهای منطقه جهت تقابل با ایران، ۳- قدرت چانه‌زنی و مانور بالای آمریکا علیه ایران.	راهبرد موازنه ساز	۴,۱

(و) راهبردهای خنثی‌کننده ایران در برابر تهدیدهای سند ۲۰۲۲ آمریکا

جمهوری اسلامی ایران برای خنثی نمودن راهکارهایی که در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا علیه کشورمان بیان شده، می‌تواند از اقدامات زیر بهره‌مند شود که اهم آن به شرح ذیل است:

۱- افزایش همکاری با چین: جمهوری اسلامی ایران برای کاستن از اثرگذاری تهدیدهای سند ۲۰۲۲، یکی از محورها را افزایش همکاری با چین قرار داده است. تدوین برنامه ۲۵ ساله راهبردی در همین راستا قابل ارزیابی است. دو کشور دلایل مهمی برای همکاری علیه ائتلاف آمریکا دارند. چین به خوبی واقف است که در صدر مهم‌ترین تهدیدهای ایالات متحده قرار دارد و از طرفی برخی اقدامات تحریک‌آمیز از سوی واشنگتن همچون سفر نانسو پلوسی به تایوان و تلاش کاخ سفید برای اجماع‌سازی با مشارکت کشورهای چین ژاپن، کره جنوبی و استرالیا علیه پکن برای این کشور خوشایند نیست. جمهوری اسلامی ایران نیز که نظم مورد نظر آمریکا را قبول ندارد و

تهدیدی اساسی علیه متحدان منطقه‌ای واشنگتن و بازیگران مخربی چون رژیم صهیونیستی است، در صدر ائتلاف‌های آمریکامحور در غرب آسیا قرار دارد. وجود این انگیزه‌ها باعث شده تا دو کشور چین و ایران به ضرورت افزایش همکاری‌های دوطرفه واقف باشند. افزایش همکاری‌های دوطرفه میان دو کشور می‌تواند به تضعیف ائتلاف‌های غرب محور منجر شود زیرا دو کشور می‌توانند در زمینه‌های مختلفی چون انرژی و مالی به راهبردهای کلان دست بزنند.

۲- افزایش همکاری‌ها با روسیه: کشورهای ایران و روسیه از انگیزه لازم برای تشکیل ائتلاف برخوردارند. روسیه در ماجرای اکراین به تشدید اختلاف‌ها با غرب دست پیدا کرده است. کمک نظامی و مالی آمریکا به اکراین علیه روسیه و سایر اقداماتی که از سوی محور غربی علیه مسکو اتخاذ شده در کنار توجه به این مسئله که متحدان و کشورهای همسو با واشنگتن در چند ماه اخیر به تشدید سیاست‌های ضدروسی دست زده‌اند، زمینه‌ای شد تا مسکو به دنبال تشکیل ائتلاف‌های جدید علیه ائتلاف‌های ضد روسی باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز همواره مورد هدف ائتلاف‌های منطقه‌ای قرار داشته و کشورهای مختلف به دنبال تضعیف ائتلاف محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران هستند. در چنین فضایی ثبات و موازنه از اولویت‌های مهم سیاست خارجی ایران و روسیه است و هر دو کشور در خصوص به مخاطره افتادن آن از افغانستان تا آسیای مرکزی، حوزه خزر، قفقاز جنوبی و خاورمیانه نگرانی‌های مشترکی دارند. این نگرانی با تشدید تنش در غرب آسیا و اوکراین که به اعتقاد تهران و مسکو با دخالت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و ناتو بروز یافته‌اند، بیشتر شده است. دو کشور در بسیاری از مقاطع دوره پسا شوروی فاقد یک الگوی باثبات برای همکاری برای موازنه و ثبات‌سازی بوده‌اند، اما چالش سیستمی در غرب آسیا و درک رابطه معنادار بحران‌های اوکراین و سوریه که حلقه واصل آن‌ها توسعه‌طلبی بی‌ثبات‌ساز آمریکا است، سبب شکل‌گیری تعامل نزدیک‌تری میان تهران و مسکو شده است. سفر پوتین به تهران، به عنوان دومین مقصد سفر خارجی از زمان آغاز جنگ اوکراین، به معنای ارسال این پیام برای غرب است که پوتین به دنبال تشکیل ائتلاف علیه ائتلاف‌های غربی است و این مسئله می‌تواند زمینه نوع جدیدی از ائتلاف برای کشورمان علیه سایر ائتلاف‌ها فراهم کند.

۳- چندجانبه‌گرایی با کشورهای مستقل: از دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی شوروی، روند یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده در عرصه‌های مختلف جهانی تشدید شد و واشنگتن به تدریج

مداخله خود در همه عرصه‌ها را عمیق‌تر کرد. این سیاست در دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» در آمریکا به اوج رسید، به گونه‌ای که کشورهای جهان را از تک‌روی‌های کاخ سفید خسته و بیزار ساخت. از حدود یک دهه قبل تعدادی از کشورها که این شرایط را پیش‌بینی کرده بودند، برای ایجاد اتحادهای کوچک‌تر دست به کار شدند. اکنون تقریباً در هر حوزه جغرافیایی گروهی از کشورها ائتلاف‌های سیاسی و اقتصادی خُرد و کوچک‌تری را تشکیل داده‌اند تا بتوانند با هماهنگی بیشتر منطقه‌ای، اهداف خود را تا حد امکان بیشتر برآورده سازند. اندیشکده غربی موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IIS) در گزارشی جامع به تحلیل عصر نوین اتحادها در عرصه بین‌الملل پرداخته و آورده است که ساختار اتحادها در مناطق کلیدی و راهبردی جهان در حال دگرگون شدن است. بر این اساس، یکی از ویژگی‌های قابل توجه در بسیاری از مناطق، کوچک‌تر شدن ابعاد اتحادها است که به آن «مینی چندجانبه‌گرایی» گفته می‌شود. در حالتی که مدیریت نهادهای بزرگ بسیار سخت و دستیابی به استقلال راهبردی بسیار دشوار می‌شود، برای برخی کشورها مینی چندجانبه‌گرایی یک گزینه جدید و اصلی است. (IIS, 2022:132) در راهبرد مینی چندجانبه‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قدرتمندی همچون هند، برزیل، مالزی، اندونزی و سایر کشورهایی که سعی می‌کنند به‌رغم ارتباط با غرب اما رفتاری مستقل داشته باشند، ارتباط برقرار و زمینه‌ای را برای شکست ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه خود فراهم کند.

۴- استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌ها: بخش دیگری از ظرفیتی که برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد تا به تضعیف تهدیدهای ناشی از سند امنیت ملی آمریکا بپردازد، به طرح گفتمان‌هایی اشاره دارد که می‌توان در قالب ظرفیت نهادهای رسمی و یا سازمان‌های منطقه‌ای از آن بهره برد. به طور مثال جمهوری اسلامی ایران با طرح گفتمان جهان‌عاری از خشونت در مجمع عمومی سازمان ملل، تصویری امنیت‌ساز و نه تهدیدزا از خود نشان داد. ظرفیت دیگری که برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد استفاده از جنبش غیرمتعهدها است. ایران در حال حاضر یکی از اعضای اصلی جنبش غیرمتعهدهاست. همکاری با مجموعه وسیع از کشورها می‌تواند این ظرفیت را برای کشورمان ایجاد کند که بدون رابطه سلطه، گفتمان خود را جهانی کند. اقدام دیگری که کشورمان می‌تواند استفاده کند عضویت فعال در سازمان‌های منطقه و فرا منطقه است. از جمله این سازمان‌ها، سازمان همکاری شانگهای است. این سازمان که با هدف کاستن از

تهدیدات احتمالی و اختلافات مرزی ایجاد شد اکنون به سازمانی مهم در عرصه مبادلات اقتصادی و امنیتی منطقه تبدیل شده است.

۵- حمایت از گروه‌های جهادی و جنبش‌های مقاومت: از جمله مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی ایران این است که ضمن قدرتمند ساختن خود و تقویت مؤلفه‌های قدرت درونی، بتواند متحدان منطقه‌ای خود را تقویت کند. جمهوری اسلامی ایران از طریق راهکارهای زیر می‌تواند به تقویت محور مقاومت و در نتیجه تقویت این ائتلاف اقدام کند:

۵-۱- برتری مؤلفه ساختار بر کارگزار: بر اساس باور نظریه‌پردازانی که قائل به برتری نقش و جایگاه کارگزار به‌جای ساختار هستند، تغییر در شخصیت‌ها یا جابجایی افراد باعث ایجاد تغییر در راهبردها و سیاست‌ها و در نتیجه چگونگی رقم خوردن تحولات می‌شود. در مقابل افرادی که به نقش ساختار اعتقاد دارند، بر این باور هستند که هر گونه تغییر یا جابجایی در افراد و شخصیت‌ها زمینه تغییر کلی را در راهبردها ایجاد نمی‌کند. در خصوص محور مقاومت شاهد برتری ساختار بر کارگزار هستیم؛ زیرا پس از شهادت فرمانده مقاومت، هیچ تغییری در راهبردهای این محور ایجاد نشده است؛ تا جایی که به اذعان نظریه‌پردازان مختلف، پس از شهادت سردار سلیمانی، محور مقاومت با انگیزه مضاعفی اهداف خود در منطقه را پیگیری کرده است.

۵-۲- شبکه‌سازی در محور مقاومت: شبکه، گروهی از عاملان در هنجارها یا ارزش‌های فراتر از ارزش‌هایی لازم برای دادوستد متداول است. برای اینکه بتوان شبکه‌ای از عاملان ایجاد کرد که اهداف جمعی را حتی در گروه‌های کوچک محقق کنند، مؤلفه‌هایی همچون آگاهی فردی، آگاهی عمومی، اعتماد و همکاری متقابل، شبکه مشارکت فعالانه و مسئولیت اجتماعی لازم است. عرصه فعالیت محور مقاومت از شمال آفریقا تا جنوب شرق آسیا با بهره‌مندی از افراد فعال، مجاهد، انقلابی و آگاه به مسائل جهان گسترش یافته است. این شاهکار نظامی ترکیب قدرت متقارن و نامتقارن بود که بر اساس آن شبکه‌های محلی طرفدار ایران بسیج شدند و نیروهای مخالف ایران را فراتر از مرزهای کشور محدود کردند و همین مسئله باعث افزایش سطح عملکرد جبهه مقاومت در سطح منطقه و در نتیجه کاهش توان جبهه سازش شد.

۵-۳- تقویت هویت محور مقاومت: محور مقاومت به عنوان یکی از مسائل یا گفتمان‌های کلان در سطح منطقه دارای هویت مخصوص به خود است. در این هویت، حقایقی همچون

استکبارستیزی، عدالت‌جویی، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم و مقابله با نقشه‌های جریان سازش به عنوان دال مرکزی شناخته می‌شود. این دال مرکزی باعث شده تا زنجیره هم‌ارزی از کنش‌ها و راهبردها از سوی این جریان شکل بگیرد که اساس شیوه رفتاری شناخته شده باشد.

۴-۵- برتری در ایجاد موازنه وحشت علیه دشمن: «موازنه وحشت» نوعی از راهبرد است که در آن دو طرف سعی در وارد کردن ضربه به طرف دیگری تحت هر عنوانی دارند. در این راهبرد دو طرف موازنه سعی می‌کنند تا با بهره‌گیری از راهبردها و تاکتیک‌ها، قدرت طرف دیگر را محدود کند. تقویت جریان مقاومت و افزایش کارایی نیروهای مقاومت نیز باعث شد رژیم صهیونیستی بیش از گذشته خود را در تنگنای امنیتی ببیند. این اقدامات به تقویت توان کشورهای محور مقاومت و در نتیجه افزایش قدرت چانه‌زنی کشورمان در مسائل منطقه‌ای منجر شد و باعث ایجاد موازنه وحشت علیه دشمنان شد.

۵-۵- اتصال راهبردی در جریان مقاومت: بررسی موقعیت جغرافیایی کشورهای همسوی با محور مقاومت از اتصال راهبردی میان این بازیگران حکایت دارد. در شرایطی که برخی از نیروهای وابسته به محور مقاومت به عنوان بازیگران فرو ملی در کشورهای پاکستان و افغانستان حضور دارند، اما پیوستگی بازیگران ملی در سطح کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان نشان می‌دهد که محور مقاومت دارای اتصال راهبردی است. این اتصال و پیوستگی راهبردی که خود را در قالب پیوستگی جغرافیایی نشان داده، باعث افزایش نقش و کارایی محور مقاومت علیه سایر بازیگران در منطقه خواهد شد.

۶-۵- ایجاد وحدت در گروه‌های مقاومت: این بازیگران فرو ملی از ملیت‌های مختلف تشکیل یافته‌اند. با وجود اینکه هسته‌های مبارزاتی مقاومت دارای هدف واحدی مبنی بر تضعیف سیاست‌های آمریکا در منطقه هستند، اما ایجاد هماهنگی میان این بازیگران برای محقق کردن هدف اصلی یکی از مسائل مهم است. در واقع نیروهای فرو ملی در محور مقاومت همانند قطعاتی از یک پازل هستند که اصل هماهنگی میان این نیروها برای محقق کردن هدف اصلی یکی از مسائل مهم است.

طبق جدول زیر، راهکارهای خنثی‌کننده سند امنیت ملی ۲۰۲۲ علیه جمهوری اسلامی ایران در ۴ محور قابل جمع بندی است. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از اسناد موجود در این هدف

تعداد ۲۰ مقوله و ۵ گزاره راهبردی به دست آمده که همگی مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است. مقوله‌ها و گزاره‌ها با میانگین بالای ۴ مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است، بنابراین از روایی و پایایی بالایی برخوردار هستند.

جدول ۳: کدگذاری باز، محوری و انتخابی راهکارهای خنثی کننده سند امنیت ملی ۲۰۲۲ علیه ایران

ردیف	مقوله	گزاره	میانگین
۱	۱- همکاری با چین بمنظور کاهش اثرگذاری تهددها، ۲- همکاری ایران و چین علیه ائتلاف آمریکا، ۳- تضعیف ائتلاف‌های غرب محور در غرب آسیا.	افزایش همکاری با چین	۴,۴
۲	۱- تشدید سیاست‌های ضدروسی در آمریکا، ۲- تشکیل ائتلاف‌های جدید علیه روسیه، ۳- ثبات و موازنه در سیاست خارجی ایران و روسیه، ۴- تعامل نزدیک‌تری میان تهران و مسکو.	افزایش همکاری‌ها با روسیه	۴,۱
۳	۱- ایجاد اتحادهای کوچک‌تر، ۲- تشکیل ائتلاف‌های سیاسی و اقتصادی خرد و کوچک، ۳- مینی چندجانبه گرایی.	چندجانبه گرایی با کشورهای مستقل	۴
۴	۱- ظرفیت نهادهای رسمی و یا سازمان‌های منطقه‌ای، ۲- گفتمان جهان عاری از خشونت، ۳- جنبش غیر متعهدها، ۴- سازمان همکاری شانگهای.	استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌ها	۴,۱
۵	۱- قدرت‌سازی، قدرت افکنی و قدرت افزایی، ۲- شبکه‌سازی در محور مقاومت، ۳- تقویت هویت محور مقاومت، ۴- اتصال راهبردی و ایجاد وحدت در جریان مقاومت.	حمایت از گروه‌های جهادی و جنبش‌های مقاومت	۴,۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سند راهبرد امنیت ملی دولت بایدن در راستای گفتمان‌سازی با هدف برساخته‌سازی منفی از چهره رقبا و دشمنان ایالات متحده نگاشته شده است. به این منظور در این سند، کشورها به دو دسته «قانون‌گرای دموکرات» و «اقتدارگرای اتوکرات» تقسیم‌بندی شده‌اند. ایالات متحده، کشورهای هم‌پیمان و همسوی خود را در زمره کشورهای قانون‌گرای دموکرات قرار داده که

پیش‌بینی‌پذیرند، قابل اعتمادند و مهم‌تر از همه، در ساختار نظم امنیتی بین‌الملل عناصری سازنده هستند. در نقطه مقابل، در گفتمان‌سازی امنیتی ایالات متحده در سند امنیت ملی ۲۰۲۲، کشورهای اقتدارگرای اتوکرات قرار دارند که به زعم ایالات متحده، عناصری ناهمسو و ناسازگار در نظم امنیتی بین‌المللی هستند. بنابراین ایالات متحده باید تلاش کند از رشد و پیشرفت و توسعه ائتلاف‌سازی این کشورها جلوگیری کند. کشورهای روسیه، چین و ایران در زمره این دسته کشورهای قرار دارند. در همین راستا، سند امنیت ملی دولت بایدن بیانگر این نکته است که ایالات متحده با نشانه‌هایی از چالش‌های ژئوپلیتیک در سطح جهانی و منطقه‌ای روبه‌رو است. ایران منطقه‌ای، روسیه در فضای اوراسیای چالش‌ساز و چین در وضعیت جهانی، اصلی‌ترین چالش‌های امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شوند. در سند امنیت ملی آمریکا، ائتلاف امنیتی و راهبردی ایران با روسیه و چین نیز به عنوان تهدیدی منطقه‌ای در غرب آسیا قلمداد می‌شود؛ بنابراین، مهار جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک راهبرد بازدارنده برای حفظ منافع و امنیت آمریکا در منطقه غرب آسیا ضروری است. در این راستا، برای برجسته‌سازی مهار ایران، قبل از هر چیز، شش اتهام را برای جمهوری اسلامی تصویرسازی کرده که عبارت‌اند از: دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه، اشاعه موشکی و پهپاد، توطئه‌چینی برای صدمه زدن به مقامات آمریکایی، پیش بردن برنامه هسته‌ای خود به فراسوی حد مورد نیاز و تضییع حقوق شهروندان داخلی خود.

در مجموع؛ لحن سند امنیت ملی بایدن، نسبت به موضوع‌گیری‌های قبلی آمریکا، تندتر و تا حدی متفاوت‌تر بوده است؛ به گونه‌ای که تمرکز بر مسائل داخلی ایران به‌ویژه اغتشاشات ۱۴۰۱ به‌جای مذاکره و تنش‌زدایی در دستورکار آنها قرار گرفته است. در سند امنیت ملی دولت بایدن برای مقابله با ۶ اتهام جمهوری اسلامی ایران، راهبردهایی همچون تهدید تاکتیکی، بازدارندگی سیاسی، اقدامات پرشدت عملیاتی برای محدودسازی قدرت ایران در حل و فصل مسائل امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مدنظر قرار گرفته است. اولویت ایالات متحده، بهره‌گیری از سازوکارهای تاکتیکی برای کنترل قدرت، توانمندی‌کنش منطقه‌ای و اقتدار ساختاری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. در چنین شرایطی، آمریکا برخلاف دو سال گذشته بیشتر به موازات بهره‌گیری از ابزارهایی همچون تحریم‌های اقتصادی، تلاش می‌کند تا سیاست امنیتی خود را در

فضای داخلی ایران فعال کند و سازوکارهای کنش بازدارنده در فضای داخلی ایران را در برابر قابلیت هسته‌ای و نقش منطقه‌ای ایران فراهم سازد.

در مقابل جمهوری اسلامی ایران از راه تقویت بازیگران منطقه‌ای و متحدان فراملی، می‌تواند در زمینه خنثی‌سازی تهدیدهای ناشی از سند امنیت ملی اقدام‌های اساسی انجام دهد. گزاره‌های راهبردی مهمی همچون قدرت‌سازی، قدرت‌افکنی و قدرت‌افزایی در برابر تهدیدات آمریکا در غرب آسیا، افزایش همکاری‌های راهبردی و تاکتیکی با روسیه و چین، افزایش تعاملات با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، چندجانبه‌گرایی به‌ویژه مینی چندجانبه‌گرایی (اتحادهای منعطف‌تر و چابک‌تر با کشورهای مستقل‌تر همچون هند، برزیل، مالزی، اندونزی)، تشکیل ائتلاف‌های سیاسی و اقتصادی خرد و کوچک، شبکه‌سازی و اتصال راهبردی در جریان مقاومت و می‌تواند از مهم‌ترین راهبردهای خنثی‌کننده جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدهای سند ۲۰۲۲ آمریکا باشد.

فهرست منابع

اسماعیلی، مصطفی و نوری، ولی‌الله (۱۴۰۰)، سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: بررسی سیاست دموکرات‌ها، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۱۰، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۸، صص ۲۵۹-۲۸۴.

برزنونی، محمدعلی و فرهادی، فرشید (۱۳۹۹): آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۳، شماره ۴۶، صص ۱۲۴-۹۲.

رضایی میرقائد، جمشید و شهابی، روح‌ا... و اکبرزاده، فریدون، (۱۴۰۱)، مدل راهبردی سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر سه گفتمان کلان امنیتی (دوران ریاست جمهوری جو بایدن)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۷۲، صص ۲۶۴-۲۳۷.

جهانیان، شهاب و اسلامی، سعید. (۱۳۹۹): بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۳، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۵۱.

عابدینی کشکوئی، حسن و مسعودنیا، حسین و گودرزی، مهناز، (۱۴۰۱)، سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اویاما و ترامپ (براساس تئوری رئالیسم ته‌اجمی میرشایمر و رئالیسم تدافعی والتز)، فصلنامه سیاست‌پژوهی ایرانی، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۳۲-۷.

یوسفی، مجید و حبیبی، رحمان (۱۴۰۰): «تحلیل اسناد راهبردی آمریکا (استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و استراتژی نظامی ملی)»، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۱۴-۹۲.

Garamone Jim, (Oct. 13, 2022); National Security Strategy Aims to Address New Challenges, address: <https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/3187907>.

Jeff Hawkins Par (15 novembre 2022); Biden's National Security Strategy, address: <https://www.iris-france.org/171452-bidens-national-security-strategy/>

Jake Sullivan on National Security Strategy (OCTOBER 12, 2022); address: <https://www.c-span.org/video/?523551-1/jake-sullivan-national-security-strategy>.

Michaela Dodge and Matthew R. Costlow (2023), Expert Commentary on the 2022 National Security Strategy, National Institute Press.

Dean Cheng (2023); China and the Biden Administration's Competing Priorities, National Institute Press.

Beatrice Heuser (2023); The World in Transition, and What the Biden Administration Tries to Do About It, National Institute Press.

Dominik P. Jankowski (2023), Assessing the 2022 National Security Strategy: A View from NATO's Eastern Flank, National Institute Press.

Thomas G. Mahnken (2023); The National Security Strategy: Preparing for a Challenging World, National Institute Press.

Francis H. Marlo (2023); Integrated Deterrence: Old Wine in New Bottles, National Institute Press.

